

مؤمنانی برتر از صحابه پیامبر (ص)

حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُخَبَّرٍ قَالَ: فَلْتُ لِرَجُلٍ مِّنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله) -قَالَ الْإِزْرَاقِيُّ: حَسِبْتُ أَنَا أَنَّهُ يَكْتُمُ أَيَا جَمَعَهُ -حَدَّثَنَا حَدِيثًا سَمِعْتَهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ: لَأَحْذَرَنَّكَ حَدِيثًا جَدِيدًا، تَقْدَبُنَا نَوْمًا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ وَ مَعَنَا أَبُو عُبَيْدَةَ بْنُ الْجَرَّاحِ قَفْلَنَا؛ يَا رَسُولَ اللَّهِ هَلْ أَحَدٌ خَيْرٌ مِنَّا، أَسْلَمْنَا مَعَكَ وَ جَاهَدْنَا مَعَكَ قَالَ: بَلَى قَوْمٌ مِّنْ أُمَّتِي يَا تُونَ مِّنْ بَعْدِكُمْ قَوْمِيَوْمُونَ بِي. (۱)

عبداللهبن‌مخبریز گفته است:-
مردی از اصحاب پیامبر -که ازواعی از رویان این حدیث گفته گمان می‌کنم که کنیه‌اش ابوجمعه بود- گفتم حدیثی از رسول خدا که خودت آن را شنیده باشی برایمان بگو. او گفت حدیثی خوب برایتان خواهم گفت: روزی با رسول خدا صبحانه می‌خوردیم و ابوعبیدهبن‌جرّاح هم با ما بود که گفتیم: آیا مردمانی بهتر از ما هستند، حال آنکه به تو اسلام آوردیم و به همراهت جنگیدیم؟ ایشان فرمود: آری! گروهی از اُمت من پس از شما می‌آیند که آندیده‌اُم به من ایمان می‌آورند.

– عن عبدالله بن مُخَبَّرِيزٍ فَلْتُ لِرَجُلٍ مِّنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ (ص) -قَالَ الْإِزْرَاقِيُّ: حَسِبْتُ أَنَا أَنَّهُ يَكْتُمُ أَيَا جَمَعَهُ -حَدَّثَنَا حَدِيثًا سَمِعْتَهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ:

شخصی عبدالله بن‌مخبریزرا فرصت پیدا کرده، دستش به یکی از اصحاب پیغمبر -که ازواعی می‌گوید گمان می‌کنم این شخصی که از او نقل می‌کند، کنیه‌اش اباجمعه بود- رسیده و می‌خواهد استفاده کند؛ می‌گوید: یک حدیثی که از پیغمبر شنیدی را برای ما نقل کن.

قال: -لَأَحْذَرَنَّكَ حَدِيثًا جَدِيدًا: تَقْدَبُنَا نَوْمًا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَ مَعَنَا أَبُو عُبَيْدَةَ بْنُ الْجَرَّاحِ قَفْلَنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ هَلْ أَحَدٌ خَيْرٌ مِنَّا، أَسْلَمْنَا مَعَكَ وَ جَاهَدْنَا مَعَكَ:

آن صحابی گفت که یک حدیث خوبی برایتان نقل می‌کنم؛ یک روز مثلاً صبحانه یا ناهار در خدمت حضرت بودیم و غذا خوردیم؛ ابوعبیده که جزو رحل معروف دوروبر پیغمبر بود احضور داشت و گفتیم؛ شما کسی بهتر از ما از ما می‌شناسید؟ اول که به تو ایمان آوردیم، اسلام را اختیار کردیم؛ بعد هم که با تو آمدیم و جنگ کردیم؛ بهتر از این چه می‌شود؟ شما کسی بهتر از ما را سراغ دارید؟

– قال: بَلَى قَوْمٌ مِّنْ أُمَّتِي يَا تُونَ مِّنْ بَعْدِكُمْ قَوْمِيَوْمُونَ بِي؛

پیغمبر(ص) فرمود: آن کسانی که به من ایمان می‌آورند، در حالی که من از ندیده‌اند، از شما قفلند. در دعای ستمات می‌خوانید که «وَ اُمَّتًا يَوْمَ لَمَّ لَسَمُ عِدْماً وَ عَدَاً» (۲) یعنی به پیغمبر ایمان آوردیم- «هِدْماً وَ عَدَاً» قید «لَمَّ» است- در حالی که پیغمبر را ندیده‌ایم. آن کسانی که آن وجود نورانی را ندیده‌اند، آن معجزات را ندیده‌اند، آن تأثیر نفس‌ را ندیده‌اند، آن کسانی آن تجسم توحید، تجسم اخلاق، تجسم فضیلت، تجسم همه آرزوهای را ندیده‌اند، ممکن است به ذهن برترین انسانها برسد -که رسول اکرم (ص) بود- ندیده‌اند، در عین حال به او ایمان آورده‌اند و وظایف شرعی‌شان را انجام داده‌اند و جهاد در راه خدا هم کرده‌اند، معلوم است که از شما قفلند؛ درست است: مقتضای عقل و قاعده هم همین است.

امام (رض) فرمودند: این کسانی که امروز هستند، از اصحاب پیغمبر، یا بالاترند یا کمتر نیستند»(۳)
اقمش همین است. آن جوان مؤمن مخلصی که از همه لذت زندگی، از همه آرزوهای جوانی، از همه شهوات، خواسته‌ها، از زندگی راحت، از پدر و مادر، از همسر، از فرزند چشم می‌پوشد، می‌رود در راه خدا جهاد امی کند- حالا یا در جبهه‌های دفاع مقدس، مثل آن دورانی‌ها، به جبهه دفاع از حرم، مثل زمان ما، یا دفاع از اُمت، فرق نمی‌کند- از آنها بالاترند قدر این حالت را باید دانست و قدرانشانی هم به این است که واقفاً و حقیقتاً آن جوری که از ما توقع هست عمل کنیم، بخصوص ما عقلمانی‌ها که مردم دردم محسوب می‌شویم و دینشان را از ما می‌خواهند سوز کنند، تقدیر به دین دلشسته باشیم و اگر ما‌ها از جهت تقوا و پرهیزکاری و روز از محارم و بی‌ رغبتی به جلوه‌های مادی دنیا و زیبایی‌های دنیا و مانند اینها، تقدیر را به خودمان تحمیل کنیم و وارد کنیم خودمان را به این معنای مسلماً بهتر از آنها هستیم.

شرح حدیث در ابتدای درس خراج فقه، ۱۳۹۸/۱۰/۱

۱) امالی طوسی، مجلس چهاردهم، ص ۴۹۱؛

۲)المصباح المنهّج، ج ۱، ص ۴۱۹؛

۳) صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۱۰ (با اندکی تفاوت).

* پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار رهبر معظم انقلاب

با خورشید انقلاب (خاطراتی از رهبر معظم انقلاب)

گنجاندن قصه یوسف در کتاب‌های درسی برای حفظ عفت پسرها

آقای غلامعلی حداد عادل درباره کتاب‌های درسی نقل می‌کند: من در تألیف کتاب‌های درسی به‌ویژه در بخش‌های تاریخی، ادبی و دینی، از دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب استفاده می‌کردم، تا اینکه ایشان پس از رحلت حضرت امام(ره) به رهبری رسیدند و ارتباط ما بیشتر شد. از جمله مواردی که چندین بار از نظریات ایشان استفاده کردم، تدوین چهار جلد کتاب درس‌هایی از قرآن بود. پس از آنکه این درس در برنامه درسی مدارس گنجانده شد، آیه‌هایی را برگزیده بودم تا درباره آنها توضیح بدهم. البته هم در انتخاب آیه‌ها و هم در تنظیم مطالب از دیدگاه‌های معظم‌له استفاده کردم. در این چهار جلد کتاب، چندین درس گنجانده شد که مشخصاً بنا به توصیه ایشان بود که به برخی از آنها اشاره می‌کنم. یکی از درس‌هایی که ایشان توصیه فرمودند در این مجموعه قرار دهم، داستان طالوت و معالوت (بقره، ۱۲۴۷) بود. رهبر فرزانه انقلاب فرمودند: «در این قصه مواردی که چندین بار از جامعه دینی مطرح شده است. وقتی اشراف بنی‌اسرائیل از پیغمبرشان می‌خواستند برای آنها یک رهبر سیاسی تعیین کنند و پیغمبرشان فردی را از جانب خدا تعیین کرد، بنی‌اسرائیل گفتند که پول ندارد، شهرت ندارد.

ایشان افزودند: «این آیات را در کتاب‌های درسی بگذارید.» برای آل سخر دبیرستان نیز فرمودند: «داستان یوسف(ع) را بگذارید.»

به ایشان عرض کردم: «داستان مریم(س) را گذاشته‌ایم.» معظم‌له فرمودند: «آن قصه برای حفظ عفت دخترهاست، قصه یوسف را برای حفظ عفت پسرها بگذارید. بگذارید این قصه قرآنی به‌عنوان نمونه بارز تقوا و عفت مردان مطرح شود.» من هم به این نکته ظریف رسیدیم و دیدیم که این توجه دقیقی است.

* غلامعلی حداد عادل- سایت عقیب- کد خبر ۶۰۲۶۹- تاریخ انتشار ۷ شهریور ۱۳۹۶.

از نظر آموزه‌های قرآن، انسان دارای اراده و اختیار و حق انتخاب، مخلوقی مکلف است. این بدان معناست که انسان در هر کاری که وارد می‌شود، باید نخست تکلیف خویش را بشناسد و بشناسد و به آن عمل کند. این تکلیف در برابر خود، خدا و خلق است. از همین رو خدا انسان را «مسئول» دانسته است که درباره کارهایش می‌بایست پاسخگو باشد.

شبکه‌های اجتماعی یک ابزار از ابزارهای مورد استفاده انسان، بستری برای انواع کارها فراهم می‌آورد؛ بنابراین، وقتی انسان مسلمان در شبکه‌های اجتماعی وارد می‌شود، خود را مکلف می‌داند تا بر اساس اصول و قواعدی عمل کند که شریعت اسلام آن را بیان کرده و انسان از طریق عقل سلیم و نقل وحیانی معتبر می‌تواند آن را کشف کند. پس هر کسی که وارد شبکه‌های اجتماعی می‌شود و کاری در آن انجام می‌دهد می‌بایست نخست تکالیف خویش را بداند و کارهایش را در همان چارچوب تکالیف شرعی ساماندهی کند تا بتواند پاسخگوی امروز و فردای عمل خویش باشد. حضور در شبکه‌های اجتماعی می‌تواند به اهداف چهارگانه مدیریت کلی یا جزئی، تولید محتوا، ترویج محتوا یا استفاده از محتوا باشد. البته برخی ممکن است به یک فعل یا چند فعل از این افعال اقدام کنند؛ پس تکالیف آنان با توجه به میزان و نحوه حضور آنان در شبکه‌های اجتماعی متغیر خواهد بود. پس تکالیف باید‌ها و نیاید‌ها و نشاید‌های حضور در شبکه‌های اجتماعی را بداند تا بتواند تکلیف شرعی خویش را به درستی انجام دهد. نویسنده در این مطلب با مراجعه به آموزه‌های قرآن بر آن است تا محرمات و نیاید‌ها و نشاید‌های این حضور را بیان کند.

معمرات فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی از نظر قرآن

تکلیف، شناسایی واجب مسلمانی
هر انسانی لازم است تکالیف خویش را بشناسد و بر اساس آن عمل کند؛ زیرا تکالیفی که خدا برای انسان قرار داده، حکمیهانه است و او برای اهداف متعالی کمک می‌کند. از همین رو تکالیفی که در قالب احکام شرعی و قوانین اخلاقی و مانند آنها بیان شده به عنوان «حکمت» در قرآن معرفی می‌شود.(اسراء، آیات ۲۳ تا ۳۹؛ لقمان، آیات ۱۲ تا ۱۹)

البته تکالیف الهی، خاص مسلمانان نیست، بلکه حتی کافران در اصول و فروع مکلف هستند. از همین روست که در قیامت می‌بایست پاسخگوی ترک تکالیف خویش باشند.(بقره، آیه ۲۱؛ یس، آیه ۴۷)
تکالیفی که بر عهده انسان گذاشته شده دارای اقسام و انواع پنجگانه‌ای است که به سبب شدت و ضعف مصحلت یا مفسدت پدید می‌آید؛ به این معنا که اگر مصحلت چیزی شدید و قوی باشد، به عنوان واجب و اگر کم باشد، به عنوان مستحب معرفی می‌شود؛ چنانکه‌اگر مفسدت آن زیاد باشد محرم و اگر کم باشد مکروه خواهد بود. مباح امری است که تعادلی میان مصحلت و مفسدت در آن است. لذا به عنوان مباح جایز دانسته شده است.

به سخن دیگر، تشریع همه قوانین الهی از جمله حلال‌ها و حرام‌ها بر پایه مصالح و مفاسد بشر استوار است و خدا هر پاک و سودمندی را برای بشر حلال و هر خبیث و زاینبخش را حرام فرموده است (اعراف، آیه ۱۵۷) بر اساس روایات نیز فساد، تلف و ضرر، سبب نهی خدا و تحریم اموری بر بشر است(وسائل‌الشیعه، ج ۱۷، ص ۸۴؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۱۶۵؛ جامع احادیث الشیعه، ج ۲۳، ص ۱۲۱).

بشر روشنند و بشر با عقل و درک خود می‌تواند به آنها‌دست یابد؛ ولی در بسیاری موارد این حکمت‌ها یا اهداف بر او پوششیده است و بشر قادر به درک حکمت و هدف اصلی حلیّت یا حرمت امور نیست، از این‌رو در این موارد وظیفه دارد در برابر احکام الهی از جمله محرمات تسلیم باشد، چنانکه قرآن مؤمنان را به تسلیم مطمح بودن در برابر احکام الهی فرمان داده است: و هیچ مرد و زن مؤمنی را نرسد که چون خدا و فرستادهاش به کاری فرمان دهند برای آنان در کارشان اختیاری باشد و هر کس خدا و فرستادهاش را نافرمانی کند، قطعاً دچار گمراهی آشکاری گردیده است.» (احزاب، آیه ۳۶)

از نظر قرآن، هر انسانی مکلف است تا با عقل سلیم و نقل وحیانی، تکالیف خویش را بشناسد و بر اساس آن عمل کند. البته خدا از هیچ انسانی تکلیف بیرون از طاقث و توانش نخواسته است؛ بلکه همواره تکلیف در و استطاعت است.

البته از نظر قرآن، تکالیف شرعی به دو روش نقل وحیانی معتبر و عقل سلیم قابل کشف است. آنچه به عنوان اصول اخلاقی مطرح است؛ در همان چارچوب مصحلت و مفسدت‌سنجی در احکام و متعلقات آن، به عنوان واجب و حرام است و مستحب و مکروه یا مباح مطرح می‌شود؛ بنابراین جدا کردن احکام شرعی با اصول اخلاقی نمی‌تواند امری مبتنی بر اصول قرآنی و فرهنگ آن باشد؛ زیرا هر آنچه که عقل و نقل کشف می‌کند، حکم الهی است که شامل پنج گانه پیش گفته خواهد بود. این بدان معناست که معروف و منکر شرعی شامل معروف و منکری می‌شود که عقل یا نقل کشف کرده باشند و تفاوتی میان آنها نخواهد بود. اگر امری از نظر عقل سلیم معروف است، به میزان درجه مصحلت آن، واجب یا مستحب خواهد بود؛ چنانکه اگر چیزی را عقل سلیم منکر بباید، به همان میزان درجه مصحلت آن، حرام یا مکروه خواهد بود. همچنین برخی از امور در قالب مباح جایز خواهد بود.

این بدان معناست که احکام شرعی که مد نظر این نوشتار است، محدود به احکام شرعی نیست که نقل وحیانی معتبر آن را بیان کرده است، بلکه احکام شرعی چنانکه احکام شرعی شیعی بر آن اذعان دارد، شامل آن دسته از احکامی می‌شود که عقل سلیم آن را کشف

معارف

همان طوری که شایعه‌سازی گناه و جرم است؛ شایعه پر اکنی یعنی انتشار و پخش شایعات دیگر ساخته نیز گناه و جرم است. البته گاه ممکن است جرم شایعه پر اکن سنگین تر از جرم شایعه‌ساز باشد؛ زیرا ممکن است شایعه‌ساز آن را بسازد و در اختیار رسانه‌ای قرار دهد و این رسانه است که با انتشار آن شایعه در حقیقت جرم انتشار شایعه را به عهده گرفته است.

در کشورهای اسلامی که زندگی مسلمانان بر اساس قوانین شریعت اسلامی جریان می‌یابد، می‌بایست هر شخص حقیقی یا حقوقی از نهادهای دولتی وغیردولتی که مسئولیت مدیریت شبکه‌ها را به عهده‌دارند، بر اساس موازین شرعی که عقل و نقل آن را بیان کرده محدودیت‌هایی را اعمال کرده و بر آن نظارت دقیق داشته ب باشند.

معمرات فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی از نظر قرآن

در تصاویر و محتوا، تحقیر و توهین به جنس زن، تبلیغ تشریفات و تجملات نامشروع و غیرقانونی، طرح مطالب ایجاد کند. تضاد میان زن و مرد از طریق دفاع غیرشرعی از حقوق آنان(نور، آیات ۱۱ تا ۱۹)؛

۱۱. پخش شایعات و مطالب خلاف واقع و یا تحریف مطالب دیگران(مائده، آیه ۴۶)؛
۱۲. انتشار تولیدات رسانه‌ای علیه اصول اسلام و قوانین و مقررات آن(بقره، آیه ۱۹۳؛ آل‌عمران، آیه ۷).

محرمات و مکروهات رسانه‌ای
محرمات و مکروهات رسانه‌ای امور چندی است که برخی از آنها براساس آیات قرآن عبارتند از:

۱. حرمت شایعه‌سازی؛ همان طوری که اصل شایعه‌سازی در حوزه‌های فردی و اجتماعی و نسبت به اشخاص حقیقی و حقوقی حرام و ناروا و گناه است؛ استفاده از ابزار رسانه‌ای برای شایعه‌سازی نیز حرام است. (احزاب، آیات ۶۰ و ۶۱؛ مائده، آیات ۴۱ و ۴۲ و ۴۵؛ توبه، آیه ۴۷).
۲. حرمت شایعه‌پراکنی؛ همان طوری که شایعه‌سازی گناه و جرم است؛ شایعه‌پراکنی یعنی انتشار و پخش شایعات دیگر ساخته نیز شد حتی کافران در برابر فروعات مکلف هستند و از همین رو در قیامت برای‌ترک واجباتی چون گناه و جرم است. البته گاه ممکن است جرم شایعه پراکن سنگین‌تر از جرم شایعه‌ساز باشد؛ زیرا ممکن است شایعه‌ساز آن را بسازد و در اختیار رسانه‌ای قرار دهد و این رسانه است که با انتشار آن شایعه در حقیقت جرم انتشار شایعه را به عهده گرفته است.(همان)
۳. حرمت تبلیغ حق و الحاد و تحمیق مردم(انعام، آیات ۱۱۲ و ۱۱۳؛ طه، آیات ۸۵ تا ۸۸؛ زخرف، آیات ۵۱ و ۵۲)؛
۴. حرمت تمسخر و استهزاء(حجرات، آیه ۱۱)؛
۵. حرمت گسترش و اشاعه فحشاء و منکرات(نور، آیات ۱۱ تا ۱۹)؛
۶. حرمت همکاری بر اثم و عدوان(مائده، آیه ۲)؛
۷.حرمت تجسس و افشای رازهای مردمان(حجرات، آیه ۱۲؛ آل‌عمران، آیه ۱۱۸؛ توبه، آیه ۱۶)؛
۸. حرمت تعرض به حریم خصوصی(نور، آیات ۱۱ تا ۱۹)؛
۹. حرمت حمایت از مجرم(قصص، آیه ۱۷)؛
۱۰. کراهت تملق و چاپلوسی؛ پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در مذمت چاپلوسی و مدح بیجا یاد شده می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. نشر مطالب الحادی و مخالف موازین اسلامی؛ ترویج مطالبی که به اساس اسلام لطمه وارد کند(بقره، آیه ۱۰۴)؛
۱۱.اشاعه فحشا و منکرات و انتشار عکس‌ها و تصاویر و مطالب خلاف عفت عمومی(نور، آیه ۱۱ تا ۱۹؛ آل‌عمران، آیه ۱۱۸؛ توبه، آیه ۱۶)؛
۱۲. تبلیغ و ترویج اسراف و تبذیر(اسراء، آیه ۲۶؛ انعام، آیه ۱۴)؛
۱۳. ایجاد اختلاف میان اقشار جامعه، به‌ویژه از طریق طرح مسائل نژادی و قومی و نیز تشکیل گروه‌های محفلی در قالب‌های فرهنگی و اجتماعی و ادبی و مانند آن (مجادله، آیه ۸؛ انفال، آیه ۴۶)؛
۱۴. تشویق افراد و گروه‌ها به ارتکاب اعمالی علیه امنیت، حیثیت و نظام معاف اسلامی در داخل یا خارج(احزاب، آیات ۶۰ و ۶۱؛ مائده، آیات ۴۱ و ۴۲ و ۴۵؛ توبه، آیه ۴۷؛ متحنه، آیه ۱)؛
۱۵. فاش کردن و انتشار اسناد و دستورها و مسائل محرمانه، اسرار نیروهای مسلح، نقشه و استحکامات نظامی، انتشار مذاکرات غیرعلنی دولت‌مردان و محاکم غیرعلنی دادگستری و تحقیقات مراجع قضایی بدون مجوز قانونی(همان)؛

۱۶. اهانت به دین مبین اسلام و مقدسات آن و همچنین اهانت به مقام رهبران حکومتی و مراجع مسلم دینی؛ جوسازی و معرفی رهبران ایمانی مردم به عنوان مردمانی ساده و خوش‌یابور (توبه، آیه ۶۱؛ انعام، آیه ۱۰۸؛ حجرات، آیات ۱۱ و ۱۲)؛
۱۷. افترا به مقامات، نهادها، ارگان‌ها و هر یک از شهروندان امت اسلام و توهین به اشخاص حقیقی و حقوقی که حرمت شرعی دارند، اگرچه نماز و حج و روزه و خمس مجازات می‌شوند؛ خدا از هیچ انسانی تکلیف بیرون از طاقث و توانش نخواسته است؛ بلکه همواره تکلیف در محدوده توان و طاقت و استطاعت است. (بقره، آیه ۲۸۶)

عمل انسان بر اساس تکالیف شرعی که عقل و نقل کاشف آن هستند، به انسان کمک می‌کند تا در مسیر حکمت آفرینش گام بردارد(مائده، آیه ۴۴؛ نساء، آیه ۱۷۶)، به درستی از منافع مادی و طبیات بهره‌مند شود(حج، آیات ۲۲ و ۲۷ و ۲۸)، حیات فعلی خویش را در دنیا حفظ کند(بقره، آیات ۱۷۸ و ۱۷۹)، شکر عملی نعمت داشته باشد(مائده، آیه ۸۹)، مفاسد و ضرر را از خویش دفع کند(اعراف، آیه ۱۵۷؛ انعام، آیه ۱۲۵؛ بقره، آیه ۲۲۲)، به تقوا و تزکیه و تطهیر نفس بپردازد(بقره، آیات ۲۱ و ۱۸۲ و ۱۸۷؛ توبه، آیه ۱۰۳)، از مجازات الهی در دنیا و آخرت رهایی یابد(بقره، آیه ۶۵؛ مائده، آیه ۳۸)، و از یادداشتن آن در قیامت برخوردار شود.(صف، آیات ۱۱ تا ۱۲)

با توجه به آنچه بیان شد، معلوم شد هر کسی که در شبکه‌های اجتماعی حضور می‌یابد، با توجه به نوع و میزان و کیفیت حضورش باید تکالیف شرعی خویش را از طریق عقل سلیم و نقل وحیانی معتبر به دست آورد و آن را به کار بندد.
از آنجا که مدیریت شبکه‌های اجتماعی، اساسی و مهم‌تر از همه موارد دیگر است، شخص یا نهادی که مسئولیت شبکه‌های اجتماعی را دارد، باید در مقام مدیریت به‌گونه‌ای عمل کند که راه‌ها برای انجام محرمات یا از میان بردو یا کاهش یابد یا محدود شود. در جهان، مدیریت شبکه‌های اجتماعی به عهده نهادهای و سازمان‌ها و مکروه یا مباح مطرح شده است. نگاه به مدیریت‌های جهانی در شبکه‌های اجتماعی می‌توان دریافت که هر کدام از آنها با توجه مقتضیات امنیتی و فرهنگی و مانند آنها می‌توانند به عنوان مردمانی ساده و خوش‌یابور را نمی‌توان یافت که به طور کامل آزاد و بی‌بند باشند؛ زیرا هیچ کشوری یا نهادی بی‌نظمی‌را نمی‌پذیرد و قوانینی برای محافظت از سرمایه‌های علمی، امنیتی، فرهنگی، اقتصادی و مانند آن وضع کرده و می‌کند.

بهترین کار برای خود و مردگان

اگر بخواهیم برای خود یا مردگان خویش، بهترین کار را انجام دهیم، آن، دادن «صدق» است؛ زیرا محضر در هنگام برداشته شدن برده‌ها و دیدن حقایق هستی از خدا خواهش می‌کند تا لحظه‌ای به او فرصت دهد تا مالش را صدقه دهد.(منافقون، آیات ۱۰ و ۱۱)
از همین رو برطبق قرآن، بهترین کار برای ایجاد تقوای الهی، همان «صدق» است؛ به‌ویژه از زبانی مالی است که بدان نیازمند نداریم و در اصطلاح قرآنی از آن به عنوان «عفو» یاد می‌شود.(بقره، آیات ۲۱۹ و ۲۲۷) اما از نظر قرآن، بهتر است که این بهترین کار نیک را به دست پیامبر(ص) تزکیه نمایید.»

صفحه ۷

یک‌شنبه ۱۴ دی ۱۳۹۹

۱۹ جمادی‌الاول ۱۴۴۲ - شماره ۲۲۶۵۲

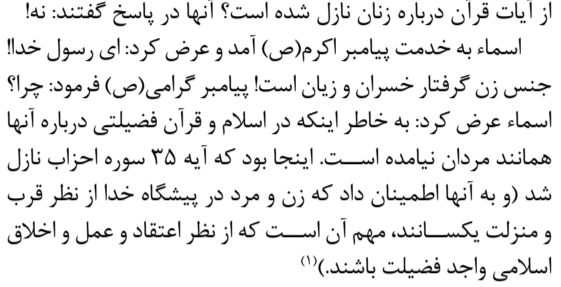


تشبیه زنان به گل‌های لطیف

قال الامام علی(ع): «لا تملک المرأة من امرها ما جاوز نفسها فان المرأة ریحانه ولیست بقهرمانه»

امام علی(ع) فرمود: به زن کاری را که از حد و توان او فراتر است نسپار، زیرا زن گلی لطف است نه پیشکار و کارگزار. (۱)

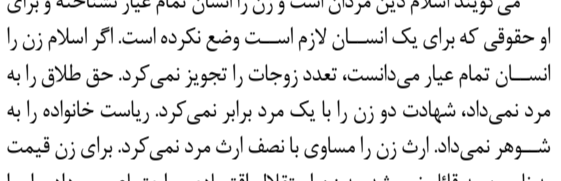
۱- نهج‌البلغه - نامه ۳۱



یکسان بودن منزلت زن و مرد در پیشگاه خدا

«هنگامی که «اسماء بنت عمیس» همسر «جعفر بن ابیطالب» با شوهرش از «حیسه» بازگشت، به دیدن همسران پیامبر گرامی(ص) آمد و یکی از نخستین سؤالاتی که مطرح کرد، این بود که آیا چیزی از آیات قرآن درباره زنان نازل شده است؟ آنها در پاسخ گفتند: نه! اسماء به خدمت پیامبر اکرم(ص) آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! جنس زن گرفتار خسران و زیان است! پیامبر گرامی(ص) فرمود: چرا؟ اسماء عرض کرد: به خاطر اینکه در اسلام و قرآن فضیلتی درباره آنها همانند مردان نیامده است. اینجا بود که آیه ۳۵ سوره احزاب نازل شد (و به آنها اطمینان داد که زن و مرد در پیشگاه خدا از نظر قرب و منزلت یکسانند، مهم آن است که از نظر اعتقاد و عمل و اخلاق اسلامی واجد فضیلت باشند.)(۱)

۱- برگزیده تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۶۱.



نفی تحقیر مقام انسانی زن

پرسش:
آیا مقام انسانی زن از منظر آموزه‌های وحیانی اسلام نسبت به مرد تحقیر شده و شرافت و حیثیت انسانی او به عنوان جنس پست‌تر به حساب آمده است؟
پاسخ:

طرح مسئله
می‌گویند اسلام دین مردان است و زن را انسان تمام عیار نشناخته و برای او حقوقی که برای یک انسان لازم است وضع نکرده است.اگر اسلام زن را انسان تمام عیار می‌دانست، تعدد زوجات را تجویز نمی‌کرد. حق طلاق را به مرد نمی‌داد، شهادت زن در ن را یک مرد برابر نمی‌کرد. ریاست خانواده را به شوهر نمی‌داد. ارتن زن را مساوی با نصف ارت مرد نمی‌کرد. برای زن قیمت جیره‌خوار و واجبالنفقه مرد قرار نمی‌داد. اینها می‌رساند که آموزه‌های وحیانی اسلام نسبت به زن نظارت تحقیرآمیزی داشته و او را مقدمه و وسیله‌ای برای اهداف مرد دانسته است!

تساوی حقوق زن و تشابه
لازمه اشتراک زن و مرد در حیثیت و شرافت انسانی، یکسانی و تشابه آنها در حقوق نیست! آیا لازمه تساوی حقوق، تشابه حقوق هم هست؟ شکی نیست که تساوی غیر از تشابه است.

تساوی برپای است و تشابه یکنواختی. آنچه مسلم است اینکه اسلام حقوق یکجور و یکنواختی را برای زن و مرد قائل نشده است. ولی اسلام هرگز امتیاز و ترجیح حقوقی برای مردان نسبت به زنان قائل نیست. آموزه‌های وحیانی اسلام اصل مساوات انسان‌ها در درباره زن و مرد نیز رعایت کرده است. اسلام، با تساوی حقوق زن و مرد مخالف نیست، با تشابه حقوق آنها مخالف است.

علت عدم تشابه حقوق زن و مرد
در اینجا سوال اصلی این است که چرا اسلام حقوق زن و مرد را در بعضی موارد نامساویه قرار داده است؟ آیا اگر حقوق زن و مرد هم مساوی بود و هم مشابه بهتر نبود؟

۱-مقام انسانی زن از نظر خلقت و آفرینش
خاوند در قرآن با کمال صراحت در آیات متعددی می‌فرماید که زنان را از جنس مردان و از سرشتی نظیر سرشت مردان آفریدیم (نساء- ۱) آموزه‌های وحیانی اسلام نظرات تحقیرآمیز زن مانند اینکه: زن عنصر گناه است، از وجود زن شر و وسوسه برمی‌خیزد. زن شیطان کوچک است. در هر گناه و جنایتی که مردان مرتکب شده‌اند، زنی در آن دخالت داشته است. مرد در ذات خود از گناه میرا است و این زن است که مرد را به گناه می‌کشاند. شیطان اول زن و وسوسه می‌کند و زن مرد را به هیچ وجه تأیید نمی‌کند. قرآن کریم با صراحت نظرات تحقیرآمیز استعدادهای روحی و روحانی زن مانند اینکه زن به پشت نمی‌رود. زن مقامات معنوی و الهی را نمی‌تواند طی کند، آن‌طور که به پشت طسی می‌کند را نمی‌کرده و تصریح می‌کند که پادش اخروی و قرب الهی به جنسیت مربوط نیست، بلکه به ایمان و عمل صالح مربوط است، خواه زن باشد یا مرد. اسلام همچنین با نظر تحقیرآمیز جنسی و تقدس تجرد و عزوت که رابطه جنسی زن را ذاتاً بیگانه دانسته و معتقدند تنها کسانی که مقامات معنوی می‌رسند که همه عمر مجرد زندگی کرده باشند را مخالفت کرده و دوست داشتن زن را جزء اخلاق انبیا معرفی کرده است. «من اخلاق الانبیاء حب النساء». دیدگاه تحقیرآمیز دیگری که می‌گویند: زن مقدمه وجود مرد است و برای مرد آفریده شده تا در اسلام قبول ندارد و قرآن با کمال صراحت می‌فرماید: هر یک از زنان و مردان برای یکدیگر آفریده شده‌اند. (بقره- ۱۸۷) از طرفی زن را نه تنها یک شر و بلاج جنی مردان نمی‌داند، بلکه می‌فرماید: وجود زن برای مرد خیر است و مایه سکونت و آرامش دل او است.(روم- ۲۱)

۲-مردودها در خلقت زن و مرد و فلسفه آنها
زن و مرد به لحاظ تفاوت‌هایی که در خلقت خود دارند از منظر حقوق طبیعی و فطری وضع نامتشابهی دارند. آری زن و مرد از نظر انسانیت ارزش مساوی یا یکدیگر داشته و از حقوق انسانی مساوی بهره‌مندند.اما از نظر خلقت و طبیعت خداوند آنها را یکسان و مشابه خلق نکرده که حقوق و تکالیف و مجازات‌های مشابهی داشته باشند. و این واقع نامشابه هم با عدالت و حقوق فطری بهتر تطبیق می‌کند و هم سعادت خانوادگی را بهتر تأمین می‌کند و هم اجتماع را بهتر به جلو می‌برد. بنابراین لازمه عدالت و حقوق فطری و انسانی زن و مرد، عدم تشابه آنها در پاره‌ای از حقوق است که شارع مقدس آنها را لحاظ کرده است. از این منظر توجه به حقوق بشر و به اصل عدالت هم به عنوان امر ذاتی و تکوینی و خارج از قوانین قراردادی، اولین بار به وسیله مسلمانان مطرح شد و پایه حقوق طبیعی و عقلی را آنها بنا نهادند. بعدها غربی‌ها اعلامیه جهانی حقوق بشر را که مبتنی بر حقوق ذاتی و غیرقابل سلب است و یک سند جهانی برای آن به شمار می‌آید و از این طریق تحقق بعد اجتماعی انسان، پیشرفت و سعادت او را تأمین کرده است.

صفحه معارف روز های: شنبه ،یک‌شنبه
سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود
تلفن‌های مستقیم: ۳۳۹۶۱۹۹۱ - ۳۵۲۰۲۲۲۱
MaarefKayhan@Kayhan.ir